روزنه

تمدید وضعیت اضطراری آمریکا علیه ایران

• باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا، در آخرین روزهای کاری‌اش با ارسال نامه‌ای به رئیس مجلس نمایندگان، وضعیت اضطراری ملی را برای کشورهای ایران، کوبا، لیبی، زیمبابوه، ونزوئلا و اوکراین برای یک سال دیگر تمدید کرد.

به گزارش ایسنا، در این نامه آمده است: «رئیس‌جمهور آمریکا در ۱۵ مارس سال ۱۹۹۵ با صدور یک فرمان اجرائی، برای ایران وضعیت اضطراری ملی صادر کرد تا با اقدامات و سیاست‌های دولت ایران مقابله کند. رئیس‌جمهور همچنین در ماه می ۱۹۹۵ با صدور فرمانی دیگر تحریم‌های جامع‌تری علیه ایران وضع کرد.

در ۱۹ آگوست سال ۱۹۹۷ نیز رئیس‌جمهور فرمان‌های پیشین را مورد تأیید قرار داد. در چهاردهم جولای سال ۲۰۱۵ گروه ۵+۱، اتحادیه اروپا و ایران به توافق بر سر برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) دست یافتند تا این موضوع را که برنامه هسته‌ای ایران منحصرا صلح‌آمیز است و صلح‌آمیز باقی می‌ماند، تضمین کنند.

برجام در شانزدهم ژانویه سال ۲۰۱۶ پس از آن اجرائی شد که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با انتشار گزارشی این موضوع که ایران تمامی گام‌های کلیدی مرتبط با برنامه هسته‌ای‌اش را برداشته است، راستی‌آزمایی و تأیید کرد.

وزیر امور خارجه آمریکا این گزارش‌ها را تأیید کرد. در نتیجه واشنگتن تحریم‌های مرتبط هسته‌ای ایران را به این خاطر که این کشور به تعهداتش در برجام پایبند بوده، لغو کرد، اما شماری از تحریم‌های غیرهسته‌ای همچنان به قوت خود باقی است».

در این نامه آمده است: «از روز اجرای توافق، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بارها اقدام به راستی‌آزمایی کرده و وزیر امور خارجه نیز این موضوع را تأیید کرده که ایران به تعهداتش تحت برجام عمل کرده است. جدا از برجام که همچنان این موضوع را که برنامه هسته‌ای ایران منحصرا صلح‌آمیز باشد تضمین می‌کند، برخی از سیاست‌های تهدیدآمیز دولت ایران علیه امنیت ملی، سیاست خارجی و اقتصادی آمریکا همچنان ادامه دارد.

ازاین‌رو، وضعیت اضطراری که در ۱۵ مارس ۱۹۹۵ وضع شده است باید تا پس از ۱۵ مارس ۲۰۱۷ ادامه پیدا کند.

بنابراین براساس تبصره ۲۰۲ وضعیت‌های اضطراری ملی آمریکا، من وضع اضطراری را درخصوص ایران برای یک سال دیگر در دستور اجرائی ۱۲۹۵۷ تمدید می‌کنم».

اوباما در این نامه در حالی از توافق هسته‌ای با ایران دفاع و بر روند راستی‌آزمایی درباره پایبندی ایران به تعهدات خود تأکید می‌کند که در ماه‌های اخیر نگرانی‌های بسیاری درباره پایبندی دولت جدید آمریکا به برجام ایجاد شده است. کابینه پیشنهادی ترامپ در خوش‌بینانه‌ترین اظهارات خود درباره ایران از بازبینی در برجام صحبت می‌کنند. دولت اوباما نیز در روزهای پایانی با همه توان خود از توافق هسته‌ای دفاع می‌کند و درباره پیامدهای نقض آن هشدار می‌دهد. مصداق مشخص این تلاش‌ها، هشدار جان کری به ترامپ و قولی است که در جلسه کمیسیون مشترک برجام به ایران دادند تا تمدید تحریم‌ها، آیسا، در برجام اثر نداشته باشد.

اظهارات اخیر سامانتا پاور، نماینده آمریکا در سازمان ملل، در آخرین نشست خبری‌اش نیز در همین راستاست. به گفته او، توافق هسته‌ای با ایران مؤثر بوده و لازم است که دولت آتی در جهت تقویت برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) بسیار قدرتمند عمل کند.

ناگفته نماند که پاور نیز مثل دیگر مقامات آمریکایی، سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی را مورد انتقاد قرار داد و با طرح ادعاهایی علیه کشورمان، اقدامات ایران را بی‌ثبات‌کننده خواند و گفت: «کسی که این تهدیدات را مشاهده می‌کند باید بسیار عاقل باشد و این توافق را حفظ کند. ما لازم است در جهت تقویت برجام در دولت آتی آمریکا بسیار قدرتمند عمل کنیم. ما باید باقدرت درباره موارد نقض هنجارهای بین‌المللی که خارج از چارچوب توافق و مطمئنا هرآنچه در چارچوب توافق روی می‌دهد، هشدار دهیم».

گفتنی است، این ادعاها در حالی طرح می‌شود که مقامات ایرانی همواره آن را رد و تأکید کرده‌اند که تهران هیچ دخالتی در امور داخلی دیگر کشورها ندارد و ملت‌ها خود باید سرنوشت کشورهایشان را تعیین کنند.

politics@sharghdaily.ir

عکس: AFP

بررسی پیامدهای توافق هسته‌ای در سالگرد آغاز اجرا

برجام؛ یک سال بعد

ادامه از صفحه اول

دلواپسان که اولین گروهی بودند که در مقابل مذاکرات صف‌آرایی کردند، قلاب‌هایشان را به نقاط حساسی گیر دادند. برخی موضوعات را آن‌قدر بزرگ جلوه داده بودند که در دعوایی که به راه انداختند حتی خودشان یادشان رفته بود که ما کجای جدول بودیم. کوبیدن بر طبل مخالفت درحالی‌که دولت جدید در حال مذاکره و چانه‌زنی بود. روایتشان از مذاکرات و نهایتا توافق این بود که هرآنچه در صنعت هسته‌ای با خودکفایی و توان بومی به دست آوردیم تیم جدید دود کرد و به هوا فرستاد؛ در مقابل هم هیچ نگرفت. دلواپسی آنها در همه جا بود؛ رسانه‌های مکتوب، وبلاگ و اینستاگرام و دست‌نوشته و دل‌نوشته و نهایتا هم در صداوسیما که برایشان به کرم باز بود.

آنهایی که روزی به طرح مفهوم «جامعه مدنی» در کشور می‌تاختند و آن را مبحثی تزیینی می‌دانستند و از درد نان مردم می‌نالیدند، این‌بار از درد نان و فشار تحریم بر زندگی مردم سخن نمی‌گفتند بلکه از آنچه ازدست‌دادن عزت ملی می‌خواندند، گلایه داشتند. آنچه در سال‌های پیش کاشته بودند، در حال باردادن بود؛ تحریم‌های فزاینده در دولت محمود احمدی‌نژاد شریان اقتصادی مملکت را بسته بود و دادوستد با جهان و فروش نفت به حد خفگی رسیده بود.

سختی کمان شما هم بگذرد

از سال گذشته مناسبتی به مناسبت‌های تاریخی کشور افزوده شد. ۲۶ دی‌ماه و «اجرائی‌شدن برجام». پیش از آن البته این روز به مناسبت «فرار شاه از ایران» معروف بود. توافق ایران و کشورهای ۵+۱ بعد از ۲۲ مذاکره متنی صدصفحه‌ای به همراه چندین ضمیمه بود که در یک دادوستد دقیق در ازای ایجاد اطمینان از سوی ایران درباره برنامه هسته‌ای‌اش، محدودیت‌ها و توقف‌هایی دراین‌زمینه را می‌پذیرد تا در مقابل نیز تحریم‌های هسته‌ای ایران برداشته شود. از ابتدای مذاکرات هسته‌ای مذاکره‌کنندگان تاکید داشتند که تنها تحریم‌های هسته‌ای موضوع مذاکره است و تحریم‌های اولیه و ثانویه آمریکا و تحریم‌هایی با بهانه حقوق بشر در این مذاکرات قابل‌گنجاندن نیست و اجازه دیگر و مذاکره دیگری می‌طلبد؛ اما همین موضوع یکی از محورهای هجمه به مذاکره‌کنندگان و توافق شد.

همه این جدال‌ها همچنان ادامه دارد و با هر سخن یک آمریکایی که برای اقناع مخاطب داخلی خود عنوان می‌کند، بهانه جدیدی برای اعتراض به مذاکره‌کنندگان پیدا می‌شود. یک بار از جواد ظریف پرسیدم می‌خواهید با این اتهاماتی که به شما می‌زنند چه کنید؟ پاسخش یک بیت شعر بود: «بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم؛ تا سختی کمان شما نیز بگذرد».

ضعف‌هایی قابل‌اعتنا

یک سال از اجرای برنامه جامع اقدام مشترک گذشته است. بد نیست بی‌طرفانه ببینیم که این توافق چه دستاوردها و ضعف‌هایی داشته است؟ بیایید از همین ماه‌های اخیر شروع کنیم. به نظر می‌رسد توافق وین یا برجام برای مواجهه با قانون تحریم داماتو یا آیسا راه‌حلی نیندیشیده بود. شاهد مثال آن هم دوگانگی در برخی موضع‌گیری‌هاست مبنی بر نقض برجام یا نقض‌نشدن آن. ازهمین‌رو درخواست بررسی این موضوع در نشست کمیسیون مشترک برجام را از آن بترسانند با وزرای خارجه سه کشور اروپایی و سه کشور غیراروپایی پای میز مذاکره نشسته بود. مذاکراتی مفصل که رکوردهای پیشین را جابه‌جا کرد و بحث‌وجدل بر سر موضوعات به ۱۰ ساعت و ۱۹ ساعت و نیمه‌شب هم می‌کشید. پس این کشوری قابل‌اعتنا بود؛ ازهمین‌رو صدها رسانه و خبرنگار بزرگ جهان در حواشی مذاکرات گرد هم آمدند تا مهم‌ترین اخبار را رصد کنند. ۱۲ سال مذاکره پی‌درپی و بی‌نتیجه در وین تمام شد و یک توافق به دست آمد.

فارغ از اینکه در متن توافق چه بود، ایران بعد از مذاکرات هسته‌ای در دنیای سیاسی حائز جایگاهی پراهمیت شده بود؛ جایگاهی که آن را هشت سال قبل با روندی سریع از دست داده بود. حالا کشوری که توانسته بود ساعت‌ها وقت وزرای خارجه شش کشور بزرگ جهان را به خود اختصاص دهد و برای یک موضوع سخت و پُرگره راه‌حلی پیدا کند می‌توانست در دیگر موضوعات هم نقش ایفا کند. جایگاه استراتژیک ایران در منطقه خاورمیانه نیز به این نقش می‌افزود. ازهمین‌رو از منظر دنیای سیاسی، جایگاه ایران در منطقه از عضوی که بازی دیگران را برهم می‌زد به یک بازیگر فعال و تأثیرگذار تغییر کرد. بعد از توافق وین بود که روند دعوت از ایران در مذاکرات مرتبط با سوریه آغاز شد و همگان بر نقش کشور ما در مبارزه با تروریسم، آزادی موصل و حلب و به طور ویژه بقای بشار اسد در سوریه تأکید کردند. بدون شک این اصلی‌ترین دستاورد برجام است درصورتی‌که خطای استراتژیکی از سوی ایران سر نزند، ماندگاری این نقش درازمدت‌تر از دیگر نقش‌ها خواهد بود.

از بازجویی تا گزارش‌های مثبت

در بخش دستاورد هسته‌ای از ورود به باشگاه هسته‌ای جهان، پذیرش غنی‌سازی ایران از سوی کشورهای دیگر و فروش مازاد آب سنگین و دیگر موادی که بیش از مصرف تولید می‌شود، می‌توان سخن گفت. همچنین برنامه‌ای درازمدت برای توسعه برنامه هسته‌ای طراحی شده که از دیدگاه عقلای این صنعت، به نفع این برنامه و کشور است. بازطراحی قلب راکتور اراک که پیش‌تر از استانداردهای جهانی دور بود نیز دستاوردی درخور اعتناست. در دولت پیشین برنامه هسته‌ای به گونه‌ای پیش رفته بود که از کارشناسان هسته‌ای ساعت‌ها مصاحبه و در عمل بازجویی از سوی آژانس انجام شده بود اما اکنون که یک سال از اجرائی‌شدن برجام می‌گذرد چنین اتفاقی تکرار نشده ولی تمام گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روند اقدامات تهران را مطابق توافق اعلام می‌کند.

دوره می‌کنیم...

از برجام یک سال گذشته و همه توان مخالفان بر هجمه به آن متمرکز است و این روند تا انتخابات ریاست‌جمهوری به اوج می‌رسد. در عمل برجام محمل تسویه‌حساب سیاسی‌جناحی شده همان‌طور که ۱۹ سال پیش «جامعه مدنی»، «روشنفکری»، «جنبش دانشجویی» و... محمل تسویه‌حساب بود تا «اصلاحات»، «مرده‌باد» شود بی‌توجه به آنکه در دو دولت بعد باید از «ناشایست‌بودن اختلاس» و «دزدی از پول نفت» سخن گفت و شاهد پدیده‌ای مثل بابک زنجانی بود که با تحریم به سیاهه تاریخ کشور پیوست و ما همچنان دوره می‌کنیم شب را و روز را... .

برخی گره‌های موجود بانکی که به دلیل پیچیدگی این سیستم رخ داده و می‌توان گفت توافق در این بخش کمی لنگ می‌زند دستاوردهای سیاسی و هسته‌ای آن درخور اعتناست.

از بازی خراب‌کن تا بازیگر قابل‌اعتنا

ابتدا از دستاورد سیاسی این توافق سخن می‌گوییم. در سال‌های اخیر کشورهای زیادی در منطقه خاورمیانه روزهایی در صدر اخبار جهان نشستند؛ لیبی به واسطه آشوب‌ها و فجایع بعد از سرکوب دولت دیکتاتور و بعد کشتن تأسف‌بار معمر قذافی، سوریه به دلیل درگیری و جنگ ویرانگر، مصر به واسطه انقلاب و بعد از آن دادگاه حسنی مبارک، به‌کرسی‌نشستن محمد مرسی و بعد به‌زیرآوردن همو... عراق به واسطه لانه‌کردن داعش در نزدیکی مناطق نفت‌خیزش، افغانستان و پاکستان به بهانه انفجارهای پر تلفات و ترکیه به دلیل حوادث تروریستی گاه و بیگاه در شهرهای توریستی‌اش و... ؛ اما دست‌کم در سه سال اخیر ایران به دلیل موضوعی غیر از بحران‌های معمول منطقه در صدر اخبار بود. کشوری که همیشه تلاش کرده بودند

پشت‌پرده لغو گفت‌وگوی صداوسیما با عراقچی

بازی تکراری‌شده یک‌بار دیگر تکرار شد. صداوسیما از عباس عراقچی، رئیس ستاد پیگیری برجام، دعوت کرده بود که در شب سالگرد اجرای برجام در برنامه‌ای تلویزیونی حضور پیدا کند. روال همه این برنامه‌ها که اعضای تیم مذاکره‌کننده در آنها حضور می‌یافتند این بود که آنها در مقابل سؤالات خبرنگار یا مجری، گزارشی از روند توافق و وضعیت پیگیری آخرین موضوعات باقی‌مانده ارائه می‌دادند، اما عصر دیروز عباس عراقچی در اینستاگرام خود اعلام کرد که صداوسیما دعوت خود را پس گرفته است و این خبر به‌سرعت در فضای مجازی پیچید. یک منبع آگاه در صداوسیما به خبرنگار ایرنا گفت که حضور عراقچی در برنامه متن حاشیه به دلیل خودداری وی از روبه‌رویی با منتقد برجام لغو شده است.

به نظر می‌رسد صداوسیما خواسته برنامه را به شکل مناظره اجرا کند درحالی‌که یک اصل اساسی در این زمینه این است که حاضران در یک برنامه باید هم‌کفو باشند، ولی به نظر نمی‌رسد یک کارشناس که با حضور در جلسات غیرخبری اعضای تیم مذاکره‌کننده و رسانه‌ها به اطلاعاتی درباره این توافق دست یافته، با یک عضو تیم مذاکره‌کننده هم‌کفو باشد. به گزارش ایرنا، پیش از این هم یک‌بار، حضور عراقچی در صداوسیما با همین مانع روبه‌رو شده بود. قرار بود عراقچی در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری حضور یابد و در این زمینه اطلاع‌رسانی هم شد، ولی ساعتی قبل از شروع برنامه به او اطلاع دادند که برنامه شکل مناظره پیدا کرده و قرار است یکی از منتقدان برجام مقابل او در استودیو حضور یابد. یک‌بار دیگر نیز قرار بود حمید بعیدی‌نژاد در این برنامه حضور یابد که در میانه راه به او اطلاع دادند یکی از منتقدان برجام مقابل او در استودیو خواهد نشست و او هم از میانه راه بازگشت.

اگرچه انتظار می‌رود صداوسیما محلی برای اطلاع‌رسانی به همه ملت باشد، اما شواهد نشان می‌دهد اولویت‌های این رسانه چیز دیگری است.

چرا برجام؟

فریدون مجلسی
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

چرا از میان ۱۹۳ کشور بزرگ و کوچک عضو سازمان ملل متحد که در مجمع عمومی این سازمان حضور رسمی دارند و چند کشور یا هویت ملی غیر عضو مانند تایوان و فلسطین، فقط جمهوری اسلامی ایران در روابط بین‌المللی خود ملزم به رعایت ضوابط و شرایطی است که اصول آن در تفاهم‌نامه یا برنامه بین‌المللی جامعی که برجام نام گرفته است، تعیین شده است؟ پاسخ به این پرسش در سالگرد اجرائی‌شدن این برنامه که موافقان و مخالفانی دارد، می‌تواند روشنگر باشد. درواقع باید دید موافقان و مشوقان ایرانی برجام چرا با اکثریت مطلق آرا به رئیس‌جمهوری رأی دادند که هدف اصلی خود را گشودن بن‌بست اقتصادی و سیاسی ناشی از تحریم‌های بین‌المللی تحمیل‌شده به ایران، ناشی از قطع‌نامه‌های شورای امنیت، تعیین کرده و از سوی ملت مأموریت یافته بود در این راه اقدام کند.

باید توجه داشت که اقلیتی ۱۰ درصدی از حامیان رئیس‌جمهور پیشین نیز از همان آغاز مخالفت خود را با نظر اکثریت مطلق ایرانیان اعلام کرده بودند و طرفدار اطاله خطرناک مذاکرات بدون حصول نتیجه یا به‌اصطلاح وقت‌کشی بودند، تا شاید فرصت یابند با توسعه غنی‌سازی اورانیوم که آن را حق مسلم خود می‌دانستند و با افزایش ذخایر آن، بتوانند... چکار کنند؟ که برگ برنده تهدیدآمیزی در اختیار داشته باشند؟ به چه منظور؟ یا قصد صرفا اقتصادی و صلح‌آمیزی در میان بوده است؟ با چه برنامه‌ای و با چه توجیه اقتصادی و سیاسی‌ای؟

کشورهای دیگر جهان، مشمول چنین برنامه‌ای نیستند؛ زیرا بسیاری از آنها کوچک‌تر از آن هستند که در این زمینه توانایی خطرآفرینی بالقوه‌ای داشته باشند؛ و آنهایی هم که قابل مقایسه با ایران بودند به گونه متفاوتی رفتار می‌کنند. جمهوری اسلامی از همان آغاز، جدایی حساب سیاسی خود را از غرب به‌طورکلی و از آمریکا به‌طور مشخص اعلام کرد و روابط متقابل نیز کم‌وبیش و با اندک فراز و فرودی در گرو این خصومت و رو به افول بوده است؛ اما در دوران ریاست‌جمهوری آقای محمود احمدی‌نژاد، این خصومت با تأکیدهای تحریک‌کننده بر نکاتی خاص، منجر به صدور آن قطع‌نامه‌های تحریم‌کننده شد. سیاست اعلام‌شده جمهوری اسلامی ایران در قبال اسرائیل از آغاز روشن بوده است. اسرائیل نیز این خصومت را ابزاری برای تبلیغات ایران‌هراسانه و جلب حمایت هرچه بیشتر از غرب کرده بود؛ اما توسل اسرائیل به این تعبیر که شعارهای محوشدن آن دولت از عرصه روزگار به معنی برنامه و تدارکی نظامی و استراتژیک از سوی جمهوری اسلامی ایران برای نابودکردن آن است و مرتبط دانستن برنامه‌های انرژی هسته‌ای ایران به‌عنوان ابزاری برای تحقق برنامه نابودسازی آن، به‌ویژه اینکه با تکرار شعارهای انکار هلوکاست همراه بود و از سوی اسرائیل به‌عنوان حمایت از برنامه‌های ضدیهود تعبیر و تلقی می‌شد، موجب شد با طرح ادعای به‌خطرانداختن صلح و امنیت بین‌المللی و صدور قطع‌نامه‌های تحریم‌کننده از سوی شورای امنیت، حتی کشورهایی مانند روسیه و چین که اعضای دارای حق وتو هستند، با آن قطع‌نامه‌ها مخالفت نکنند. این تنهایی و انزوا در عرصه بین‌المللی، زیان‌های اقتصادی و سیاسی جبران‌ناپذیری به ایران وارد و کشور را با بی‌کاری، بحران و رکود اقتصادی همراه با تورم بی‌سابقه مواجه کرد که با وجود بیشترین درآمد صادراتی نفت در طی تاریخ که در همان دوران نصیب ایران شد، عملا جز توسعه فسادهای نجومی به بهانه دورزدن تحریم‌ها، به حل مسائل و توسعه اقتصادی کشور کمکی نکند.

مخالفت با برچیده‌شدن تحریم‌ها، در داخل کشور از حمایت دارندگان همان آرای ۱۰ درصدی و در عمل برخوردار از صدای بلندتر و تریبون‌های گوناگون و در خارج کشور نیز علاوه بر اسرائیل، از حمایت محافل محافظه‌کار آمریکایی و عربستان سعودی برخوردار بود. بااین‌حال، مذاکرات مفصل و چانه‌زنی‌های سه‌ساله به نتیجه رسید و برنامه‌ای تصویب شد که ضمن تضمین برنامه بهره‌برداری کنترل‌شده ایران از برنامه‌های هسته‌ای، از نظامی‌نبودن این برنامه‌ها اطمینان حاصل و متقابلا تحریم‌های مرتبط به انرژی هسته‌ای برچیده می‌شد. برای انجام این کار، شورای امنیت سازمان ملل متحد به موجب قطع‌نامه جدیدی، ابطال مشروط قطع‌نامه‌های تحریمی را اعلام کرد.

از زمان اعلام برچیده‌شدن تحریم‌ها، صادرات نفت ایران که به ۸۰۰هزار بشکه در روز کاهش یافته بود، به بالاتر از دومیلیون بشکه در روز افزایش یافت و در دی ۱۳۹۵ با ورود نخستین هواپیمای ایرباس به‌عنوان بخشی از قراردادی مفصل‌تر با این شرکت اروپایی، سد بزرگ دیگری در رفع تحریم‌ها برداشته شد؛ اما مخالفان برجام که تا دیروز تحویل‌ندادن هواپیما را به‌عنوان جنایتی از سوی غرب تلقی می‌کردند که جان مسافران ایرانی را به خطر افکنده است، اینک تحویل هواپیمای اروپایی را به‌عنوان پاداشی به فرانسه که در آغاز مذاکرات نقش پلیس بد را برعهده گرفته بود، اعلام کرده و از آن انتقاد می‌کنند. این‌گونه بهانه‌جویی‌های گاه کودکانه و بی‌منطق، نشان از رنجش این محافل از دورماندن از قدرت اجرائی دارد؛ وگرنه همه می‌دانند تحریم بد و انزوا و بحران اقتصادی از آن هم بدتر است.

روابط ایران و غرب باید متعارف و تابع رعایت معیارهای بین‌المللی و احترام به برابری حقوق و احترام متقابل باشد. باید تحریم‌های غیر هسته‌ای کلا برداشته شود؛ اما متقابلا جمهوری اسلامی نیز باید برنامه‌ای برای دتانت یا تنش‌زدایی در روابط بین‌المللی خود داشته باشد. اکنون که روسیه کشوری با توسعه‌طلبی ایدئولوژیک به شمار نمی‌رود، نباید تصور شود که رقابت‌های روسیه و آمریکا به جنگ سردی مانند نیمه دوم قرن بیستم منجر خواهد شد. روسیه کشور اروپایی دیگری است که برای بازگشت به جایگاه یک ابرقدرت می‌کوشد و منافع خودش را در نظر دارد. ایران نیز در شمار ۲۰ کشور مهم و بزرگ جهان است که باید جایگاه شایسته خود را در روابط بین‌المللی بازیابد و برای این کار، باید از مذاکره و طرح خواسته‌های خود نهراسد و با غایب‌ماندن در صحنه‌های چندجانبه و دوجانبه بین‌المللی و مذاکره مستقیم و غیرمستقیم با همه کشورهای جهان، جایی برای بهانه‌جویی‌های زیان‌بخش و سوءتفاهم‌های خطرناک در غیاب خود باقی نگذارد!

نگاه

توافق هسته‌ای و انتظارات بی‌پایان

علی خرم
کارشناس مسائل حقوق بین‌الملل

• یک سال پیش در این تاریخ توافق هسته‌ای بین ایران و گروه ۵+۱ انجام شد و به بحرانی سیاسی که لزومی به تحقق نداشت، پایان داد. طرفین به‌خوبی متوجه شدند گرهی را که می‌توان با دست به‌راحتی باز کرد، نباید با پیچیدگی‌های فراوان با دندان باز کرد.

طرف خارجی که فکر می‌کرد ایران قصد برهم‌زدن نظم منطقه‌ای یا جهانی را دارد یا می‌خواهد با تولید سلاح هسته‌ای این و آن را تهدید کند، درصدد سیاسی‌کردن موضوع و تحریم‌های ناعادلانه و منزوی‌کردن ایران برآمد، اما زمانی که از سوی ایران اراده برای حل موضوع شکل گرفت، متوجه شد آن تصورات صحیح نبوده و نیست و ایران نه‌تنها برهم‌زننده ساختار منطقه‌ای و جهانی نیست، بلکه یکی از پایه‌های حفظ امنیت و ساختار سیاسی در منطقه است. ایران همچنین یکی از بزرگ‌ترین نیروهای مبارزه با تروریسم بین‌الملل در اشکال مختلف است و این را در عراق و سوریه با اهدای جان فرماندهانش به‌خوبی نشان داده است.

در ایران هم همگان متوجه شدند راه صنعت هسته‌ای برای رفاه بیشتر ابنای بشر و از جمله مردم ایران هموار شده و می‌توانند در قیاس با سوخت‌های فسیلی، حافظ بهتر محیط زیست باشد. به عبارت دیگر برای به‌دست‌آوردن انرژی سبز نباید بحران سیاسی، درگیری نظامی یا قطع مراودات دیپلماتیک و تحریم‌های اقتصادی صنعتی پیش بیاید.

این شد که طرفین با وجود بی‌اعتمادی‌های فراوان، به هم نزدیک شدند و تصمیم گرفتند این مسیر را تا انتها هموار کنند و در چنین روزی، بعد از دو سال مذاکرات فشرده، توانستند بر اصولی که با رضایت طرفین همراه بود، توافق کنند. اگرچه بعد از توافق، هر دو طرف به تعهدات خود عمل کردند و طرف ایرانی صنعت هسته‌ای خود را آن طور که باید تغییر ساختار داد که مورد تأیید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار گرفت و غرب هم بر قطع‌نامه‌ها و تحریم‌های اقتصادی مربوط به انرژی هسته‌ای که در فاصله ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ دامنگیر ایران شده بود، خط بطلان کشید، اما بی‌اعتمادی‌های گذشته نتوانست به بحران پیش‌آمده پایان حتمی دهد و تندروهای هر دو طرف درصدد روشن‌کردن مجدد آتش برآمدند. در ایران مشکلات موجود در راه رفع تحریم‌ها، بهانه‌ای برای زیرسؤال‌بردن اصل توافق هسته‌ای شد و در آمریکا جمهوری‌خواهان قسم‌خورده و مخالف هرگونه نرمش و همکاری با ایران، سر بلند کرده و ندای به حالت تعلیق‌درآوردن توافق هسته‌ای را به گوش جهانیان رساندند. این موج اگرچه در آمریکا قوی‌تر و جدی‌تر مطرح شد، اما به همان اندازه بی‌محتواتر و خالی از هرگونه منطق بین‌المللی بود. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا، در کمال ناپختگی و بی‌اطلاعی ابتدا به این موج جمهوری‌خواهان تندرو دامن زد، ولی هر روز که از تماس او با دستگاه دیپلماسی آمریکا و جهان گذشت متوجه ابعاد عمیق توافق هسته‌ای در حفظ امنیت بین‌الملل و حفظ منافع و امنیت ملی آمریکا شد؛ به ترتیبی که در روزهای ورود به کاخ سفید آشکارا اعلام کرد وزرای او باید به آنچه صلاح می‌دانند عمل کنند، نه اینکه به نظرات شخصی رئیس‌جمهور توجه کنند و این راه را باز می‌کند تا دولتمردان آمریکایی درباره توافق هسته‌ای براساس عقل کارشناسی تصمیم بگیرند و عمل کنند. به هر دلیل توافق هسته‌ای موهبت‌های فراوانی برای ایران، منطقه و جهان داشته و دارد؛ چه ما صادقانه به آن اعتراف کنیم یا با لفاظی‌های ناروا آن را وارونه نشان دهیم. این توافق در شرایط بسیار ناپایدار خاورمیانه که تمام کلاف‌ها از هم باز شده‌اند و کسی را یارای جمع‌کردن آن نیست، می‌تواند تأمین‌کننده امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران باشد، چه بسیار دشمنان منطقه‌ای ایران هستند که آرزو می‌کنند ایران با دست خود این توافق را برهم زند تا بلکه مقدمات «سر مار زدن» فراهم شود. در آمریکا هم تنها حربه‌ای که به نظر تندروها می‌رسد این است که این توافق با دست ایران نقض شود تا آمریکا بتواند اجماع جهانی را پشت سر خود حفظ کند و آن‌وقت در توافق ایران و گروه ۵+۱ دست‌کاری جدید به شکلی انجام شود که تأمین‌کننده نظرات جمهوری‌خواهان شود. بنابر این عقل سلیم ایجاب می‌کند قدر توافق صورت گرفته را به‌خوبی بدانیم و به هیچ احدی راه ندهیم که آرامش موجود را برهم زده و مخل امنیت ملی ما شده یا راه رشد و توسعه را بر ما ببندد. بی‌شک آنچه به عنوان سوءمدیریت سیاسی و اقتصادی در دولت‌های نهم و دهم صورت گرفته، زمان فراوانی می‌طلبد تا مهار شود و سامان یابد و به دولت هشت ساله دکتر روحانی هم وصال نمی‌دهد، ولی باید صبور بود و در راه‌های مارپیچ جهانی با دقت برنامه‌ریزی کرد و منافع و امنیت ملی ایران را پیش برد.